

تربیت فرزند با ادب

یکی از مشکلات تربیتی جوامع حاضر مشکل قصور یا عدم احترام کودکان نسبت به بزرگسالان است. متأسفانه این مشکل با پیشرفت جوامع و در فضای فرهنگی معاصر شدیدتر نیز شده است.



یکی از مشکلات تربیتی جوامع حاضر مشکل قصور یا عدم احترام کودکان نسبت به بزرگسالان است. متأسفانه این مشکل با پیشرفت جوامع و در فضای فرهنگی معاصر شدیدتر نیز شده است.

با توجه به تاثیر این موضوع بر تعلیم و تربیت صحیح کودکان ارائه راهکارهایی برای برون رفت از آن ضروری است. برای رفع این مشکل باید در ابتدا به ریشه یابی این مشکل در خانواده پرداخت. چرا که خانواده اولین محیطی است که کودک بر پایه تقلید و اقتباس، به امر یادگیری و آموختن می پردازد. در مرحله بعدی مدرسه و مربیان مدارس، به عنوان تأثیرگذارترین دستگاه تربیتی، می توانند در برخوردهای خود احترام به دیگران را به کودکان آموزش دهد. در کنار خانواده و مربیان مدارس، رسانه های گروهی از جمله مطبوعات و بویژه رادیو و تلویزیون می توانند در ترویج فرهنگ احترام در بین قشرهای مختلف جامعه بویژه کودکان، تاثیر داشته باشند. تحقیق اخیر پس از مقدمه ای کوتاه تاثیر خانواده و والدین و مدرسه و مربیان مدرسه را در تقویت روحیه احترام کودکان نسبت به بزرگسالان، مورد بررسی قرار می دهد.

الف- تأثیر خانواده و والدین

کودک از هنگام تولد با اولین محیط اجتماعی یعنی خانواده رو به رو می شود. او در این زمان معیار مشخصی از " بد " و " خوب " ندارد او بتدریج با اعضای این جامعه کوچک و رفتارهایی که آنها دارند آشنا می شود. اگر کودک از همان ابتدا احساس کند که در این محیط اجتماعی کوچک احترام افراد محفوظ است، توهین و تحقیر در کار نیست بزرگ تر به کوچک تر و کوچک تر به بزرگ تر احترام می گذارد. کم کم علاوه بر این که اهمیت احترام گذاری را درک می کند، خود به خود انسانی محترم و با شخصیت نیز بار خواهد آمد. اگر والدین می خواهند که فرزندانشان به آنها توهین نکنند، خودشان نیز باید به فرزندانشان توهین نکنند.

والدین باید کودک را همان گونه که هست با معایب و محاسنش بپذیرند. در این مسیر والدین باید از بدو تولد با مهر و عاطفه با او رفتار کنند و رابطه ای مبتنی بر اعتماد و اطمینان و احترام با او برقرار سازند.

متأسفانه بسیاری از پدران و مادران توقع دارند فرزندشان کاملاً احترام آنان را نگه دارد، در حالی که خود هرگز به فکر احترام و شخصیت او نیستند، دائم او را سرزنش و تحقیر می کنند و در برابر دوست، همکار و همکلاسی اش، تحقیرش می کنند. غالب رفتارهای آدمی بر اساس یادگیری است و پایدارترین یادگیری ها، یادگیری مشاهده ای است. از این رو کودکان از زمانی که قادر می شوند با بیان ساده ترین عبارات با مادر و پدر و اطرافیان خود ارتباط برقرار کنند، به تدریج قابلیت فراگیری احترام را نیز می یابند. باید بدانیم آنچه به کودک می دهیم همان را پس می گیریم. بنابراین در دوره کودکی اساس یادگیری و آموختن کودکان بر پایه تقلید و اقتباس، استوار است. لذا کودکان در این دوران، همان حرکات پدران و مادران خود را تقلید و انجام می دهند و کم کم احترام گذاشتن به بزرگ ترها در آنان درونی می گردد و در دوران بلوغ این عادت پسندیده را رها نخواهند کرد. بنابراین والدین لازم است بیش از آن که ، اهمیت احترام به بزرگ ترها را متذکر شوند، در عمل بی احترامی کردن را به کودکان نیاموزند و آنها را به بی احترامی کردن وادار نسازند.

والدین باید کودک را همان گونه که هست با معایب و محاسنش بپذیرند. در این مسیر والدین باید از بدو تولد با مهر و عاطفه با او رفتار کنند و رابطه ای مبتنی بر اعتماد و اطمینان و احترام با او برقرار سازند. هر کودکی باید احساس کند که به او ارزش و بها داده می شود و شخصیت او در خانه مورد احترام است تا بتواند به خودباوری رسیده و آن را حفظ نماید و استعدادها و توانمندی های خود را رشد دهد. در این فرآیند کودک با ساختن شخصیت خود، رابطه بهتری همراه با عزت و احترام، با والدین و دیگران خواهد داشت. احترام به دیدگاه ها و برداشت های کودک و احترام به سلیقه او و شرکت کودکان در امور خانواده و درک نمودن احساسات یکی از مبانی تقویت روحیه احترام به دیگران در کودکان است که در محیط خانواده، آن را می آموزند. در حضور دیگران هرگز کودک خود را مورد توبیخ قرار ندهید از به کار بردن الفاظ زشت جدا خودداری کنید . هم چنین باید توجه داشت که پدر و مادر همواره می بایست ضمن اغماض و مستور کردن خطاها و عیوب احتمالی همدیگر، با برقراری رابطه ای گرم و صمیمی و آرام بخش حق شناسی و تکریم و قدردانی، یکدیگر را به کودکان، بهتر و شایسته تر نشان دهند.

بدرفتاری و فریبکاری در بچه هایی که محصول امر و نهی و بله و نه؛ 171#&؛ و نه؛ 171#&؛ های والدینشان هستند تا حدی فزونی می گیرد که برای خود و دیگران مشکلاتی ایجاد می کنند. اصولاً کودکان هر کس را که عمیقاً دوست داشته باشند، سعی می کنند با او بیشتر همانندسازی نمایند، و نهایت احترام، حرف شنوی و تمکین تمام عیاری از او داشته باشند . آن دسته از کودکان که غالب اوقات شاهد درگیری ها و تعارض های کلامی، فکری و رفتاری والدین خود هستند به لحاظ ضعف در اعتماد به نفس و از دست دادن احساس خود ارزشمندی، آمادگی روانی لازم را برای تکریم و سپاسگزاری از خود نشان نمی دهند. به طور کلی با تقویت روحیه تکریم والدین به یکدیگر است که فرزندان به زیبایی و از جان و دل می آموزند که چگونه از نیکی های دیگران، بخصوص پدر و مادر و

معلم خویش، سپاسگزاری و تکریم و تمجید نمایند. البته گاهی اوقات لازم می آید که در خانه، یکی از والدین، مثلاً پدر به صورت کاملاً دوستانه و به زبان ساده و لحن خوشایند به کودک یادآوری کند که به خاطر لطف و محبتی که مادر به وی روا داشته و زحمتی که برایش کشیده، تشکر نماید و به وی احترام گذارد.

پسندیده است مربیان مدارس، بر اساس زمینه های فطری کودکان ارزش های ایمانی، اخلاقی و عملی کودکان را تقویت نموده و زمینه پرورش آنان را فراهم آورده و در عمل به آنان، احترام به دیگران را بیاموزند.

احترام را باید به دست آورد. کسب احترام به چیزی فرای خوب و مهربان بودن صرف نیاز دارد. یکی از عواملی که می تواند این اعتماد را پیوسته حفظ کند و مایه قوت شخصیت و ثبات کودک باشد این است که در عهد و پیمان خود با کودکان وفادار باشند و هیچ گاه با فرزند خلف وعده نکنند و رفتارشان، خلاف گفتارشان نباشد. کودکان ما آن گونه می شوند که ما هستیم و برای درست تربیت کردن باید درست تربیت شده باشیم. کودکان زمانی یاد می گیرند به سایرین احترام بگذارند که افرادی که برایشان مهم هستند، الگویی از احترام گذاشتن باشند.

ب- تأثیر مدرسه و مربیان مدارس

مدرسه، مکانی است که در آموزش احترام به کودک، نقشی مهم ایفا نموده و در رشد و تکامل شخصیت کودک تأثیر انکار ناپذیر دارد. تحقیقات نشان می دهد که شیوه برخورد و کلام مربی در تقویت احترام کودکان نسبت به بزرگسالان تأثیر تعیین کننده ای دارد. لذا مدرسه نیز می تواند همانند خانواده در ایجاد صفت احترام به دیگران و با رفع صفت ناپسند عدم احترام به دیگران، کودکان را یاری داده و آنان را در جهت خلق و خوی پسندیده احترام به بزرگ ترها تربیت نماید باید بپذیریم که مسئولیت اولیای مدرسه به پرورش قوای عقلانی و آشنا ساختن دانش آموزان به ارزش های شناختی، اجتماعی و اخلاقی، خلاصه نمی شود بلکه اینان مسئول تغییر و اصلاح رفتارهای ناسازگار و سلامت روانی کودکان نیز هستند.

لذا عدم تحقیر کودکان و برخورد همراه با احترام به شخصیت کودکان و رفتار نیکو و پسندیده خود بخود کودکان را در مسیر رفع این عادت ناپسند قرار می دهد. مربیان باید توجه داشته باشند که یکی از موانع بزرگ ارتباط خوب سرزنش کردن دیگران است در این رابطه پسندیده است مربیان مدارس، بر اساس زمینه های فطری کودکان ارزش های ایمانی، اخلاقی و عملی کودکان را تقویت نموده و زمینه پرورش آنان را فراهم آورده و در عمل به آنان، احترام به دیگران را بیاموزند. و کودکان را همچون وزیر و مشاور دانست که در کارها و امور، همراه اولیاء و مربیان خویش هستند.

دکتر مینو طباطبائی- ماهنامه کودک